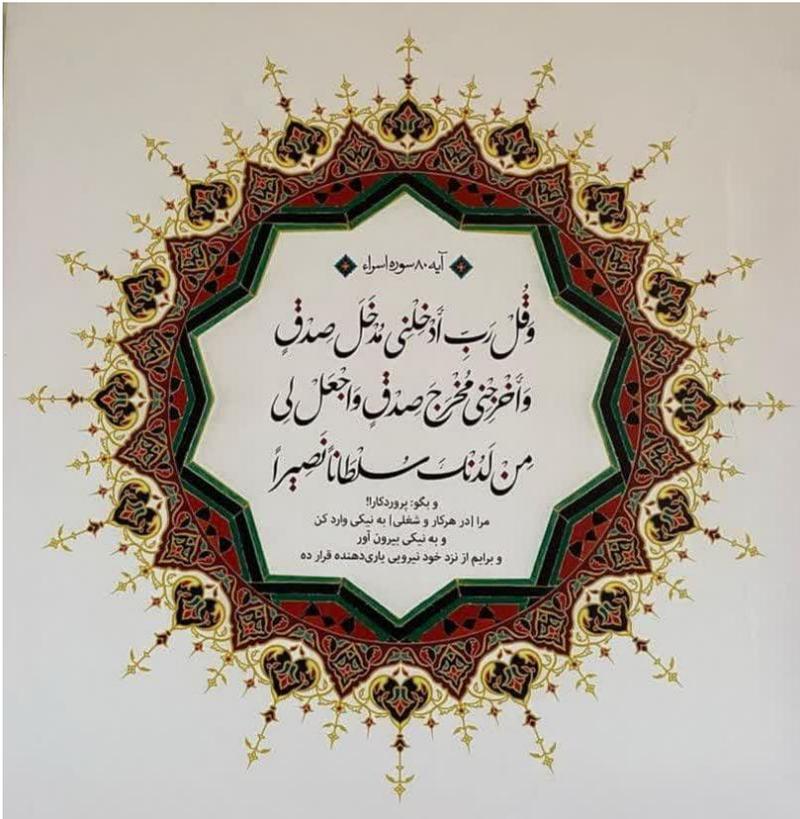


# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه: جهان تیغ، جمیله، ۱۳۵۱-  
عنوان و نام پدیدآور: یادگیری در سایه: شناخت و مدیریت اختلالات یادگیری / نویسندگان  
جمیله جهان تیغ، فاطمه شیرعلی، آمنه میرسلیمی.  
مشخصات نشر: قم: ارمغان دوستی، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: رقعی، ۷۲ ص  
شابک: 978-622-8474-25-0  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۷-۷۲.  
عنوان دیگر: شناخت و مدیریت اختلالات یادگیری.  
موضوع: یادگیری -- اختلالات  
شناسه افزوده: شیرعلی، فاطمه، ۱۳۵۴-  
شناسه افزوده: میرسلیمی، آمنه، ۱۳۵۸-  
رده بندی کنگره: LC ۴۷۰۴  
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۷۹۹۵۵



## یادگیری در سایه: شناخت و مدیریت اختلالات یادگیری

نویسندگان: جمیله جهان تیغ، فاطمه شیرعلی، آمنه میرسلیمی

ناشر: ارمغان دوستی

تیراژ: ۱۵۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۴۰۳

چاپخانه: زمزم

---

دفتر فروش:

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۷۶

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۲۷۰۷

# یادگیری در سایه

شناخت و مدیریت اختلالات یادگیری

نویسندگان:

جمیله جهان تیغ

فاطمه شیرعلی

آمنه میر سلیمی

## فهرست مطالب

|                                                                      |    |
|----------------------------------------------------------------------|----|
| پیشگفتار .....                                                       | ۶  |
| مقدمه .....                                                          | ۷  |
| تاریخچه اختلالات یادگیری .....                                       | ۱۰ |
| مفهوم یادگیری .....                                                  | ۱۱ |
| تعریف اختلالات یادگیری .....                                         | ۱۲ |
| کودکانی که دارای اختلال‌های یادگیری هستند چه ویژگی‌هایی دارند؟ ..... | ۱۴ |
| عوامل مؤثر بر اختلال یادگیری .....                                   | ۱۴ |
| طبقه بندی اختلالات یادگیری در دانش آموزان .....                      | ۱۶ |
| انواع اختلال خواندن .....                                            | ۱۸ |
| مشکلات اختصاصی خواندن .....                                          | ۱۸ |
| مشخصات بالینی کودکان با اختلالات خواندن .....                        | ۱۹ |
| درمان اختلال خواندن .....                                            | ۱۹ |
| اختلال حرکتی در نوشتن .....                                          | ۲۱ |
| اختلال املانویسی .....                                               | ۲۳ |
| مشخصات بالینی کودکان با اختلالات نوشتن .....                         | ۲۵ |
| گام‌های کاربردی در نوشتن .....                                       | ۲۶ |
| علائم اختلال ریاضی .....                                             | ۲۷ |
| برنامه‌های آموزشی برای اختلالات یادگیری .....                        | ۲۸ |
| علل احتمالی اختلال‌های یادگیری چیست؟ .....                           | ۲۹ |
| ۱. عوامل محیطی .....                                                 | ۲۹ |
| ۲. عوامل عاطفی .....                                                 | ۳۱ |
| ۳. عوامل فیزیکی .....                                                | ۳۱ |

- ۴- عوامل آموزشی ..... ۳۳
- ۵- عوامل زیستی ..... ۳۳
- ۶- عوامل محیطی ..... ۳۳
- ۷- عوامل روانی ..... ۳۳
- ۸- عوامل فیزیولوژیکی ..... ۳۳
- عوارض اختلال یادگیری ..... ۳۴
- عواملی که باعث تشدید این اختلال‌ها میشوند ..... ۳۵
- نظریه‌های اختلالات یادگیری ..... ۳۶
- نظریه غلبه طرفی مغز ..... ۳۷
- نظریه کوتاهی دامنه توجه ..... ۳۹
- نظریه فرابری آگاهی‌ها ..... ۴۰
- نظریه تأخیر در رشد ..... ۴۲
- نظریه ضایعات خفیف مغز ..... ۴۳
- چرا اختلالات وجود دارند؟ ..... ۴۵
- تعامل شناخت و تأثیر در مدارس ..... ۴۵
- چگونه نظریه روانکاوی می‌تواند به ما در درک اختلالات یادگیری کمک کند ..... ۴۶
- دیدگاه متخصصان در خصوص اثرگذاری والدین بر رشد کودک دارای اختلال یادگیری ..... ۴۷
- وظایف والدین در قبال کودک مبتلا به اختلال یادگیری خود ..... ۴۸
- راهکارها و پیشنهادات ..... ۵۵
- آموزش مستقیم ..... ۶۳
- نتیجه‌گیری ..... ۶۵
- منابع ..... ۶۷

## پیشگفتار

از آنجا که اختلالات یادگیری مانع از شکوفایی استعدادهای دانش آموزان و باعث سرخوردگی و تحقیر آنها می‌شود، شناسایی و تشخیص اختلالات یادگیری و اقدام در مورد درمان و رفع مشکل آنان امری است که باید مورد توجه دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد. عواملی نظیر بیماری‌های، جسمانی ناراحتی‌های عاطفی نامساعد بودن شرایط خانوادگی و پایین بودن کیفیت آموزشی یادگیری دانش آموز را مختل می‌کنند و موجب عقب ماندگی تحصیل می‌شوند. معلمان باید علائم اختلالات یادگیری را بشناسند. تا در مواقع ضروری دانش آموزان مبتلا را به مراجع ذیصلاح ارجاع دهند. از هر سه کودک مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری حدود دو نفر نیاز به آموزش‌های جبرانی در ریاضیات دارند این واقعیت ضرورت بهبود روش تدریس ریاضیات برای دانش آموزان را مطرح کرده است. کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری، گروهی از کودکان هستند که ظاهری طبیعی و بهره هوشی بهنجار دارند. این کودکان اغلب در سنین قبل از مدرسه شناسایی نمی‌شوند، ولی با ورود به مدرسه به ویژه در سال‌های اول و دوم دبستان، مشکلات آنان در زمینه خواندن، نوشتن و فهم ریاضی به تدریج مشخص می‌گردد و ممکن است در چند درس و یا فقط در یک درس مشکل داشته باشند، اما عملکرد ضعیف تحصیلی در زمینه‌های مختلف یا فقط در یک درس نمیتواند صرفاً دلیل موجهی برای شناسایی کودکان مبتلا به اختلال یادگیری باشد. متداول‌ترین انواع اختلالات یادگیری شامل مشکلات خواندن، نوشتن، ریاضیات، استدلال، شنوایی و گفتار هستند. کودکان دارای اختلالات در یادگیری می‌توانند به موفقیت دست یابند. مواجهه با این احتمال که کودک شما نوعی اختلال یادگیری دارد، بسیار دشوار است. هیچ پدر و مادری نمی‌خواهند رنج فرزند خود را ببینند. ممکن است از خود بپرسید این اختلالات چه تأثیری بر آینده و

تحصیل فرزند شما می‌گذارند. شاید نگران باشید که به خاطر مشکلات یادگیری به فرزند شما برچسب «کنندذهن» بزنند یا او را به کلاسی ضعیف‌تر بفرستند. اما نکته مهمی که باید مورد توجه قرار داد این است که اکثر کودکان دارای ناتوانی در یادگیری دقیقاً مانند بقیه باهوش هستند. فقط باید نوع آموزش آن‌ها متناسب با سبک‌های یادگیری مخصوص آن‌ها باشد. با اطلاعات بیشتر در مورد کلیات ناتوانی‌های یادگیری و به‌طور ویژه مشکلات یادگیری فرزند، می‌توانید به زمینه‌سازی موفقیت آن‌ها در مدرسه و خارج از مدرسه کمک کنید. ما در این کتاب به بررسی اختلالات یادگیری پرداخته ایم تا این اختلالات یادگیری مانع پیشرفت کودکان مان نباشد.

## مقدمه

برای کودکان دارای اختلالات یادگیری غالباً عقب ماندگی ذهنی، نخستین تصویری بوده است که به ذهن بیشتر معلمان خطور میکند. این تصویری بوده است که از چندین دهه قبل بر جو نظام آموزشی حاکم بوده است اما به تدریج صاحب نظران و دست اندر کاران تفاوت‌هایی بین عقب ماندگی ذهنی و مشکلات ویژه در برخی از دروس مشاهده کرده‌اند. این مشاهدات به پیدایش گروه دیگری از دانش آموزان انجامیده است که مشکلات آن‌ها را اختلالات یادگیری نامگذاری کرده‌اند.

اختلالات یادگیری تنها به افت تحصیلی و اتلاف بودجه پایان نمی‌پذیرد بلکه به سرزنش تحقیر از جانب سایر دانش آموزان به وجود آمدن خودباوری ضعیف و کاهش عزت نفس آنها می‌انجامد و سلامت روانشان را به مخاطره می‌اندازد. این مشکلات از دانش آموز و مدرسه به خانه و خانواده نیز راه می‌یابد و اضطراب و ناخوشنودی را در هر فضای زندگی گسترش می‌دهد. حاصل این امر اسیبی است که به بهداشت روانی فرد، خانواده و جامعه وارد می‌شود.

کودک‌دانی که ناتوانی در یادگیری دارند از مشخصات مانند مشکل در صحبت کردن، خواندن، نوشتن محاسبه، مشکل در تمرکز حواس و توجه به مطالب، گیج شدن در مورد زمان و فضا، رفتار تحریک پذیرانه، مشکل در یادآوری، هماهنگی

فیزیکی ضعیف، مشکل در سازماندهی برای انجام یک منظور و مشکل در دوست شدن با افراد و دوست ماندن با آنها. این موضوع در حالی است که بسیاری از افراد مبتلا به مشکلات یادگیری از نظر هوشی و نیز سایر توانایی‌های ذهنی در سطح مناسبی‌اند.

در این شرایط والدین افزون بر اینکه با مسائل تحصیلی کودک دست و پنجه نرم میکنند با رفتارهای پرخطر، بی‌نظمی، پرخاشگری، مقاومت در برابر پذیرش قانون و رفتارهای افراطی، توجه طلبی رو به رو هستند و در واقع مشکل یادگیری کودک در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و پدر و مادر از این رفتارها خسته نگران می‌باشند به طور کلی این شرایط ممکن است تاثیر نامطلوبی بر ارتباطات اجتماعی کودک بگذارد زیرا نقطه ضعف در یادگیری میتواند اعتماد به نفس او را نشانه بگیرد و باعث بروز نوعی کمرویی در میان هم کلاسی‌ها شود و با به اضطراب از قضاوت‌های اطرافیان بینجامد. در بعضی از خانواده‌ها که به این مشکل رسیدگی نمی‌کنند کودک در طولانی مدت ممکن است به افسردگی نیز مبتلا شود. مبتلایان به ناتوانی‌های یادگیری در تمام سطوح و در تمام پایه‌های کلاسی از آمادگی تا دانشگاه دیده می‌شوند. تشخیص بهنگام روند بهبودی را سرعت خواهد بخشید؛ بنابراین توجه به دوره ابتدایی به ویژه پایه‌های اول و دوم در این زمینه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

بسیارند کودکانی که ظاهری طبیعی دارند. رشد جسمی، قد و وزنشان حاکی از بهنجار بودن آنان است. هوششان عادی است، به خوبی صحبت می‌کنند. مانند سایر کودکان بازی می‌کند و مانند همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می‌کنند. در خانه نیز خودیاری‌های لازم را دارند و کارهایی که والدین به آن‌ها واگذار می‌کنند به خوبی انجام می‌دهند و از اخلاق و رفتار عادی برخوردارند. این کودکان وقتی به مدرسه می‌روند، ابتدا اطمینان کافی به پیشرفت تحصیلی خود دارند اما وقتی می‌خواهند خواندن و نوشتن و حساب را یاد بگیرند دچار مشکلات جدی می‌شوند و به تدریج در می‌یابند سایر کودکان وضع درسی بهتری از آنان دارند. با گذشت چند ماهی از سال اول تحصیلی در دبستان کم کم خود را متفاوت از دیگران می‌گیرند

(پاکزاد، ۱۳۹۰). مدت‌های طولانی این دانش آموزان را که در یادگیری یک یا چند درس مشکلات جدی داشتند با اصطلاحات معلول ادراکی، آسیب دیده مغزی، آسیب دیده عصبی معرفی می‌کردند و تقسیم بندی دانش آموزان با توجه به سن آن‌ها انجام می‌گرفت. اما امروزه از مهمترین مختصات تعلیم و تربیت توجه به خصوصیات فردی این دانش آموزان است و فاکتورهای دیگری از جمله بهره هوشی، سلامت حواس و اختلال یادگیری در تقسیم بندی به کاررفته است (پاکزاد، ۱۳۹۰).

اختلال یادگیری مهمترین فاکتوری است که بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفته است. اصطلاح برگرفته از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش آموزانی است که به طور مداوم در دروس خود با شکست مواجه می‌شوند و درعین حال در چهارچوب سنی کودکان استثنایی نمی‌گنجد (کریمی، ۱۳۹۲). ناتوانی‌های یادگیری طیف وسیعی از اختلالاتی است که بر اکتساب، نگهداری، فهم و سازماندهی با استفاده از اطلاعات کلامی یا غیرکلامی تأثیر می‌گذارد. این اختلالات برگرفته از نقایصی در یک یا چند فرآیند روان شناختی مربوط به یادگیری و متوسط توانایی‌های اساسی برای فکر کردن با استدلال است. ناتوانی یادگیری خاص است و نقایص کلی مانند ناتوانی‌های هوشی ذاتی را شامل نمی‌شود (فریار، رخشان، ۱۳۸۹).

ناتوانی این کودکان با توجه به اینکه ظاهر سالم است ممکن است سال‌ها بدون تشخیص بماند یا با شخصیت‌های اشتباه مانند عقب ماندگی ذهنی، مورد توجه قرار گیرد و در نتیجه کودک در معرض آموزش‌ها و درمان‌های نامناسب و گاهی زیان آور قرار گیرد (قافله باشی، ۱۳۹۰).

در اینجا ما به دسته‌بندی‌های ویژه‌ای از کودکان می‌پردازد که سطح پیشرفت آنها در برخی موضوعات مدرسه در حد استاندارد هوش کلی آنها نیست. کودکان به دلایل زیادی در مدرسه بد عمل می‌کنند. ممکن است هوش کمی داشته باشند. آنها ممکن است فرصت‌های کمی داشته باشند و در خانه تشویق کمی دریافت کرده باشند. آنها ممکن است نقص‌های حسی، به ویژه در بینایی و شنوایی، یا نارسایی‌های جسمی داشته باشند که به طور جدی یادگیری آنها را مختل می‌کند. آنها ممکن است مخفیانه با مشکلات روابط عاطفی دست و پنجه نرم کنند که انرژی ذهنی را

تخلیه می‌کند و آن را از کار در دستان منحرف می‌کند، به طوری که به جای تمرکز، رویاهای روزانه خود را در سر می‌پروراند. آنها ممکن است قبلاً در مدرسه شکست خورده باشند و با تأثیرات عاطفی شکست خود دست و پنجه نرم کنند. همه این شرایط را می‌توان تشخیص داد و زمانی که تشخیص داده شد، کودکان می‌توانند کمک‌های مناسب دریافت کنند.

با این حال، بحث در اینجا مربوط به کودکانی است که مشکلات آنها در یادگیری مدرسه با اختلال در رشد یا اختلالات عصبی ارگانیک همراه است و ظاهراً ناشی از آن است. بسیاری از اصطلاحات برای توصیف این کودکان استفاده شده است - کودکان "آسیب مغزی" یا "مغزی آسیب دیده"، کودکان "معلول عصبی"، کودکانی با "عملکرد حداقلی اختلالات مغزی". مایکل باست (۱۹۶۴) ناتوانی‌های یادگیری خاص را نتیجه اختلالات جزئی عملکرد مغز تعریف می‌کند و استفاده از اصطلاح «روان‌عصب‌شناسی» را پیشنهاد می‌کند تا نشان دهد که چنین ناتوانی‌هایی همراه روان‌شناختی نقص‌های عصبی منطقی هستند. پس از بررسی‌های فراوان، در اینجا تصمیم گرفته شد که از اصطلاح اختلالات یادگیری «عصبی-توسعه‌ای» استفاده شود، زیرا اگرچه بسیاری از کودکان با آزمون‌های روان‌شناختی دارای اختلالات یادگیری خاص مشابه کودکان با اختلالات عصبی شناخته شده هستند، اما هیچ مدرکی دال بر این وجود ندارد.

### تاریخچه اختلالات یادگیری

از سال ۱۹۵۰ به بعد توجه مربیان روان‌شناسان و پزشکان به گروه خاصی از کودکان و آموزش آنان معطوف گشت، که از نظر جسمی و مغزی دارای هیچگونه عارضه مشخصی نیستند، ولی دچار نارسایی‌های ویژه یادگیری و گاهی اوقات نابهنجاری‌های رفتاری می‌باشند؛ نیز درمان آنان با روشهای متداول امکانپذیر نیست. نارسایی‌های این کودکان با واژه‌هایی مختلف در کتابهای روانشناسی و علوم تربیتی نامگذاری شده‌اند. متداولترین این واژه‌ها عبارتند از ضایعات مغزی، ضایعات، خفیف مغزی و آسیبهای عصبی این اصطلاحات که در آنها ریشه اصلی نارسایی‌های

یادگیری عوامل بدنی شمرده شده است، با اعتراضات و انتقادات زیادی مواجه گشته است. متخصصان آموزشی با بسیاری از کودکان روبرو میشوند که دچار اختلالات یادگیری هستند ولی علم پزشکی هیچگونه علامتی از ناهنجاریهای عصبی یا ضایعات مغزی در آنها نمی‌یابد؛ درحالیکه کودکان دیگری هستند که دچار ضایعات مشخص شده مغزی‌اند. ولی هیچگونه اشکالی در یادگیری ندارند. بنابراین به تدریج اصطلاحات ذکرشده در بالا اعتبار خود را از دست داده است؛ کودکان که با وجود هوش بهنجار در "نارسایی‌های ویژه یادگیری" لقب یک یا چند زمینه مانند خواندن، نوشتن، سخن گفتن، فهم ریاضی و غیره دچار ناتوانی یا اشکالات یادگیری هستند بکار می‌روند. چون این کودکان دچار ضایعه مشخص شده مغزی یا عصبی نیستند، نظریه اشکالات مغزی و عصبی نتوانسته است متخصصین این رشته را راضی و قانع سازد.

### مفهوم یادگیری

اهمیت یادگیری در زندگی آدمی بسی فراتر از چشم اندازه‌های اندیشه‌ی اوست. روانشناسان به تازگی به اهمیت و عظمت شکل‌پذیری نوع آدمی، حتی در سالهای نخستین زندگی او پی برده و محقق ساخته‌اند که عامل اصلی در این شکل‌پذیری یادگیری است. به اعتقاد آنان هر رفتاری که از انسان سر میزند معلول یادگیری است. به این معنا که یک رشته یادگیری ساده‌تر موجب یادگیریهای پیچیده‌تر میشوند. به علاوه چون محیط زندگی افراد همواره در معرض تغییر است انسان برای غلبه بر این دگرگونی ناچار به یادگیری امور است. (منظمی تبار، جدیدیان و خوش نشان، ۱۳۹۵). اگر بخواهیم تعریفی کلی از یادگیری را ارائه دهیم میتوان یادگیری را به فرآیند ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتاری که حاصل تجربه است، نامید. و نمیتوان آن را به حالت موقتی بدن، مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا مصرف داروها پدید می‌آید، نسبت داد. در واقع یادگیری تغییری نسبی است که در اثر تجربه و آموزش در موجود زنده پدید می‌آید. مزیت این تعریف آن است که وقتی یادگیری در نتیجه تجربه و آموزش تعریف میشود. هرگونه تغییر دیگری را که بررسی

اختلالات یادگیری و راههای درمان در دانش آموزان مقطع ابتدایی بر اثر گرایش های فطری زیستی، رشد طبیعی یا حالت موقتی خستگی و تاثیر داروها در رفتار به وجود می آید، کنار گذاشته میشود، حتی اگر این گونه دگرگونی های رفتاری معمول تجربه نیز باشند. اختلالات یادگیری به شرایطی اطلاق می شود که در آن فرد در یادگیری و پردازش اطلاعات با مشکلاتی مواجه است. این اختلالات می توانند شامل مشکلاتی در خواندن (دیسلکسی)، نوشتن (دیسگرافی) و ریاضیات (دیسکلکولیا) باشند. برای کمک به دانش آموزان با اختلالات یادگیری، برنامه های آموزشی ویژه ای طراحی شده اند.

### تعریف اختلالات یادگیری

روان شناسان با اندک تفاوت هایی اختلالات یادگیری را چنین تعریف میکنند . کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری کسانی هستند که در یک یا چند فرایند اساسی در رابطه با خواندن، سخن گفتن، درک کردن و نوشتن دارای اشکال هستند به شرطی که این مشکلات ناشی از عقب ماندگی های ذهنی، نقص بینایی، نقص حرکتی و یا فرهنگی نباشد هر اختلالی که در آن موفقیت تحصیلی فرد با توجه به سن و آموزش و هوش براساس آزمون های معیار خواندن و نوشتن و محاسبه از آنچه انتظار می رود بسیار کمتر باشد. اختلال یادگیری توصیف میشود علائم این اختلالات ممکن است به صورتهای مختلف از قبیل اختلال در توجه به تفکر، تکلم نوشتن و با حساب کردن باشد.

اختلالات یادگیری به مجموعه ای از نارسایی ها در یادگیری اطلاق میشود که برخلاف نارسایی های جسمانی، اغلب تا زمان آموزش رسمی در مدرسه ناشناخته ماند در دوران تحصیل دانش آموز در مدرسه نیز به علت شناخت نداشتن برخی از معلمان بیشتر اوقات این اختلالات به عنوان اختلالات خاص یادگیری تشخیص داده نمیشوند بلکه با عقب ماندگی ذهنی اشتباه گرفته و زمینه فشار روانی بر کودک فراهم می شود. در این میان اختلاف دیدگاه میان اولیا و مربیان رفع این اختلالات را به تأخیر می اندازد. در یک سوی این اختلاف معلمان و مسئولان آموزش و پرورش

هستند که برای تشخیص و پیگیری این اختلالات نیاز به دانش افزایی بیشتری دارند و در سوی دیگر ناآگاهی و نپذیرفتن وجود اختلال در کودک از جانب برخی از اولیا است. کودکان متلا به ناتوانی یادگیری معمولاً از لحاظ هوشی مشکلی ندارند اما به دلیل نقص در راه‌های پردازش اطلاعات در مغزشان عملکرد ذهنی پایینی را نشان می‌دهند. اختلالات یادگیری ممکن است با حالت‌های مختلف اختلال بیش‌فعالی همراه با نقص توجه و اختلالات رفتاری نیز همراه شود این مشکلات باعث می‌شود یک دانش‌آموز بسیار کندتر از فردی که این مشکل را ندارد، مطالب را یاد بگیرد. نسبت به توانایی‌های درسی خود ناامید هستند. کمتر در آنها انگیزه‌ای به وجود می‌آید و انگیزه‌هایی که در آنها دیده می‌شود به جای این که درونی باشد جنبه خارجی دارند. آنان نمیتوانند تصدیق کنند که اگر کار و کوشش بیشتری از خود نشان دهند موفقیت‌هایشان زیادتر خواهد شد به جای آن سعی دارند که شکست را به ناتوانی‌های خویش نسبت دهند و دچار درماندگی اکتسابی شوند و این حالتی است که فرد فکر میکند هر اندازه کوشش کند باز نتیجه‌ای جز شکست به بار نخواهد آورد.

ناتوانی‌های یادگیری با اصطلاح‌هایی چون خواندن جبرانی یا دیرآموزی مترادف نیست این تعریف به طور ویژه از کودکان و نوجوانانی یاد میکند که به شدت دچار ناتوانی‌های یادگیری بخصوصی هستند دانش‌آموزان مبتلا به این مشکل نیازمند آموزش ویژه‌ای هستند که باید با تمرین‌های مخصوص غیر معمول و با کیفیتی غیر عادی سر و کار داشته باشند. این امر جدا از شیوه‌های آموزشی و منظمی است که اکثر کودکان از آن استفاده میکنند وظیفه کارشناسان در این زمینه این است که عهده دار جبران ناتوانی یادگیری به خصوص کودک به صورت آموزش انفرادی با گروه‌های کوچک باشند زیرا اگر درست ارزیابی نشود تأثیر بالقوه‌ای روی عملکرد ناسازگارانه‌ی فرد دارد و در حوزه‌های چندگانه‌ی زندگی ضعف ایجاد مینماید. وقتی فردی مظنون به اختلال یادگیری میشود یک ارزشیابی عصب روان‌شناختی تواناییها ضروری است تا منبع مشکل را به علاوه در حوزه‌های توانایی عصب روان‌شناختی تعیین کند که میتواند به عنوان پایه‌ای برای فنون جبرانی و اختیارات درمانی باشد.

یک اختلال یادگیری به وسیله متخصصان بهداشت روانی و پزشکی به عنوان یک اختلال عصب زیست شناختی و یا اختلال پردازش زبان تشخیص داده شده که به وسیله عملکرد مغز به وجود آمده است. یکی از پیامدهای ناکارآمدی مغز شیوه ای که افراد مبتلا به اختلال یادگیری اطلاعات را کسب کرده و پردازش میکنند که از عملکرد عادی و قابل انتظار برای کودک یا بزرگسالی که میتواند بدون مشکل جدی یاد بگیرد متفاوت است. یک اختلال یادگیری که در زمینه علمی تشخیص داده شده است ممکن است در زمینه‌های دیگر نیز اختلال ایجاد کند. ممکن است تاثیر نامطلوبی بر ارتباطات اجتماعی بگذارد زیرا که ضعف فرایند شناختی فرد باعث میشود که او در فکر کردن و یا رفتار دچار اشتباه و یا دچار کج فهمی رفتار دیگران گردد. اختلالات یادگیری ممکن است با حالتهای مختلف اختلال بیش فعالی همراه به نقص توجه اختلالات رفتاری، ناتواناییهای حسی یا دیگر شرایط کلینیکی یا عصب شناختی هم زیستی داشته باشد.

### **کودکانی که دارای اختلال‌های یادگیری هستند چه ویژگیهایی دارند؟**

کودکان با مشکل اختلال یادگیری گروه ناهمگنی را تشکیل میدهند که ویژگیهای بسیار متفاوتی دارند؛ اما باید در نظر داشت که همه کودکان با نارسایی در یادگیری ممکن است تمام این ویژگیها را نداشته باشند و در عوض بعضی از افرادی که نارسایی ویژه در یادگیری ندارند ممکن است بعضی از این ویژگیها را داشته باشند از این جهت که هر کودکی دارای ویژگیهای منحصر به فرد برای خود هست ممکن است فقط بعضی از این ویژگیها در او وجود داشته باشد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۹)

### **عوامل مؤثر بر اختلال یادگیری**

کودکان مبتلا به اختلالهای یادگیری گروهی از کودکان هستند که ظاهری طبیعی و هوش بهنجار دارند بر اساس راهنمای تجدید نظر شده تشخیصی و آماری (نیک خواه و آوادیس یانس، ۱۳۸۱) حدود ۲ تا ۱۰ درصد از کودکان مبتلا به این

اختلال هستند و معمولاً تعداد پسرها در این اختلال ۳ برابر دخترها است. این کودکان اغلب در سنین قبل از مدرسه شناسایی نمی‌شوند. ولی با ورود به مدرسه به ویژه در سالهای اول و دوم دبستان مشکلات آنان در زمینه خواندنی نوشتن و فهم ریاضی به تدریج مشخص می‌گردد و ممکن است در چند درس و یا فقط در یک درس مشکل داشته باشند اما عملکرد ضعیف تحصیلی در زمینه‌های مختلف یا فقط در یک درس نمیتواند صرفاً دلیل موجهی برای شناسایی کودکان مبتلا به اختلال یادگیری باشد زیرا عملکرد ضعیف تحصیلی ممکن است بر اثر عواملی غیر از اختلال‌های یادگیری به وجود آید (احدی و کاکاوند ۱۳۸۲، شهیم و رشیدی ۱۳۸۶؛ سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۹).

اختلال‌های یادگیری زمانی تشخیص داده می‌شوند که پیشرفت فرد براساس اجرای انفرادی آزمونهای استاندارد شده در مهارت‌های خواندن ریاضیات و نوشتن با توجه به سن آموزش و سطح هوش فرد به طور قابل ملاحظه‌ای پایین تر از سطح مورد انتظار است این مشکلات به طور قابل ملاحظه‌ای با پیشرفت تحصیلی با فعالیتهای روزانه‌ای که مستلزم خواندن ریاضیات و با مهارتهای نوشتن هستند تداخل میکنند (فتحی آشتیانی و زندیه، ۱۳۸۰).

در سبب شناسی اختلال یادگیری از دیدگاه دانش پزشکی علت این اختلال به منشأ آن و زمینه‌هایی از قبیل آسیب مغزی ضایعه مغزی، اختلال‌های حرکتی و ادراک پریشی نسبت داده میشود روان شناسان در این زمینه به جستجوی مواردی از قبیل اختلالهای ادراکی رفتار تکانشی رفتار بی وقفه تکرار غیرارادی بیش فعالی پرداخته اند دانش مربوط به زبان زبان شناسی، تحول زبان آسیب شناسی زبان و روانشناسی زبان اختلالهای یادگیری را به عنوان پدیده‌ای نو در قلمرو انواع اختلالهای زبان مورد توجه قرار داده و در این خصوص به مواردی نظیر (آفازیا، نارساخوانی، آنومیا (فراموشی نامها)، اختلالهای زبان بیانی و دریافتی پرداخته‌اند. علوم آزمایشگاهی بیشترین تأکید خود را بر شرایط یادگیری معطوف داشته اند تا علت و ریشه روان شناختی این اختلال. (نوربخش و همکاران، ۱۳۸۲).